

## مرجع صالح رسیدگی به جرایم مأموران نظامی و انتظامی در مقام ضابط دادگستری کدام است؟

فرهاد شریفی (بازپرس دادسرای نظامی فارس)

### الف: مقدمه

هنگامی که مأموران نظامی و انتظامی در حال اجرای دستورات قضایی قاضی دادگستری می‌باشند ممکن است که مرتکب جرمی شوند؛ در خصوص مرجع صالح به رسیدگی به این‌گونه جرایم در میان قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح اختلاف نظر وجود دارد که همین اختلاف نظر موجب بروز مشکلاتی هنگام رسیدگی به پرونده‌ها شده‌است.

### ب: منابع قانونی

اصل یک‌صد و هفتاد و دوم قانون اساسی بیان می‌دارد: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد؛ ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.» تبصره "۲" ماده یک قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۶۴، جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شده‌باشند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

### ج: طرح موضوع

#### جرایم موضوع

جرایم ارتكابی توسط نظامیان به دو دسته کلی جرایم غیرمرتبط با خدمت و جرایم مرتبط با خدمت تقسیم می‌شود. در مورد مرجع صالح به جرایم غیرمرتبط هیچ اختلافی نیست و دادگاه عمومی صالح به رسیدگی می‌باشد؛ اما جرایم مرتبط با خدمت به چند دسته تقسیم می‌گردد:

۱- جرایم نظامی و انتظامی مانند فرار از خدمت؛

۲- جرایم امنیتی مانند جاسوسی؛

۳- جرایم حین خدمت که شامل دو قسمت می‌گردد:

الف: جرایم عمومی مانند ایراد ضرب و جرح، استعمال و حمل مواد مخدر و ...

ب: جرایم در مقام ضابط دادگستری.

به نظر می‌رسد هدف خبرگان قانون اساسی از ارجاع رسیدگی به جرایم در مقام ضابط به دادگستری این بوده که قضات دادگستری از جرایم مأموران ضابط مطلع شوند؛ در ابلاغ دستورات بعدی دقت بیشتری انجام دهند تا از وقوع حوادث مشابه در آینده جلوگیری شود. اما در عمل به علت حجم زیاد پرونده‌های ورودی به دادگاه عمومی که موجب پایین آمدن کیفیت رسیدگی شده و ارجاع پرونده‌های در مقام ضابط به قضات دیگر و محدودیتهایی که در شهرهای کوچک، قضات برای برخورد با ضابطان دارند، عملاً این هدف محقق نشده‌است و کیفیت رسیدگی به پرونده‌ها در مرجع عمومی رضایت

بخش نبوده و موجب تجری برخی از مأموران شده است. پس از تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح در سال ۱۳۶۴ پرونده های مطرح در آن سازمان چهار دسته بوده است:

اول: جرایم خاص نظامی که سازمان قضایی صالح به رسیدگی بوده؛

دوم: جرایم عمومی حین خدمت مانند ایراد ضرب و جرح و استعمال و نگهداری مواد مخدر که دادگاه انقلاب و عمومی صالح به رسیدگی بودند.

سوم: جرایم در مقام ضابط که دادگاه عمومی صالح بود.

چهارم: جرایم امنیتی مأموران مانند جاسوسی که دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی بوده است.

هنگام صدور قرار نهایی در دادسرای نظامی، گاهی در یک پرونده چند نوع جرم مطرح بوده که مراجع قضایی متعددی صالح به رسیدگی بودند و گاهی باید دو یا سه بدل از پرونده تهیه و به مراجع دیگر با قرار عدم صلاحیت ارسال می نمودند؛ این امر اشکالات متعددی داشته که به چند نمونه از آنها اشاره می گردد.

الف - تهیه چند بدل موجب صرف هزینه زیاد و اتلاف وقت پرسنل می گردید.

ب - با توجه به اینکه معمولاً در تهیه بدل دقت نمی شود و کیفیت فتوکپی ها مطلوب نبوده، مرجع صالح در رسیدگی دچار مشکل می شد که گاهی آرای متفاوت و متناقض در خصوص اتهامات یک متهم که به مراجع مختلف ارسال می شد صادر می گردید.

ج - با توجه به حساسیت وظایف نیروهای مسلح، طرح برخی از اتهامات آنان و حضورشان در دادگاه های عمومی به مصلحت نظام نبوده است.

د - زمانی که مردم از مأموران در مقام ضابط شکایت داشتند ابتدا به سازمان قضایی نیروهای مسلح مراجعه می کردند، پس از اینکه پرونده به دادگاه عمومی ارسال می شد چون رسیدگی مطلوب صورت نمی گرفت موجب نارضایتی ارباب رجوع می شد و به لحاظ دقت و سلامت قضایی در سازمان قضایی، مأموران هم به شدت راغب بودند که پرونده آنان به دادگاه عمومی ارسال شود؛ به علت نص صریح قانون اساسی تا زمان بازنگری در قانون اساسی امکان تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی نبود و مسئولین سازمان در ابتدا برای حل این مشکلات پیشنهاد نمودند در هر سازمان قضایی شعبی از دادگاه عمومی و انقلاب هم مستقر شود که این امر به علت مشکلات اجرایی امکان پذیر نبوده است.

در نهایت با توجه به اهمیت موضوع و مصلحت نظام، مقرر شد موضوع از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام و مقام معظم رهبری حل گردد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورخ ۷۳/۵/۶ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسرا و دادگاه های نظامی را به شرح ذیل تصویب کرد:

ماده (۱): هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی، جرایم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می باشد.

ماده (۲): جرایمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح، در مدت اسارت مرتکب شده‌اند و نیز جرایم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.

ماده (۳): کلیه جرایم نظامیان دارای درجه سرتیپی و بالاتر، در مراجع قضایی ذی‌ربط در تهران رسیدگی می‌شود.

با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، قسمتی از مشکلات سازمان حل گردید؛ اما هنوز مشکل رسیدگی به جرایم در حین خدمت و امنیتی پرسنل حل نگردیده بود.

در تاریخ ۷۳/۱۱/۳ ریاست وقت سازمان قضایی نیروهای مسلح، ضمن نامه‌ای خطاب به آیت‌الله یزدی، ریاست وقت قوه قضاییه، از ایشان درخواست نمود با توجه به مشکلات سازمان ایشان از مقام معظم رهبری در خصوص رسیدن به جرایم در حین خدمت و امنیتی در سازمان قضایی کسب اجازه نمایند و آیت‌الله یزدی هم در تاریخ ۷۳/۱۱/۱۱ کتباً اعلام فرمودند، موضوع به اطلاع مقام معظم رهبری رسیدگی و ایشان با پیشنهاد سازمان تا زمان تصویب قانون موافقت فرمودند.

پس از موافقت معظم‌له، ریاست وقت سازمان، ضمن نامه شماره ۷/۸۶/۷۳ تاریخ ۷۳/۱۲/۲۸ اجازه مقام معظم رهبری و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را به کلیه سازمانهای سراسر کشور ابلاغ نمودند و از آن تاریخ به بعد سازمان قضایی به جرایم در حین خدمت که جرم در مقام ضابط هم از مصادیق عینی آن بود رسیدگی می‌نمود؛ و تا تاریخ ۷۹/۵/۹ به هزاران پرونده که تعداد زیادی از آنها جرم در مقام ضابط بود رسیدگی نمود و پس از تأیید مراجع تجدید نظر از جمله دیوان عالی کشور حکم اجرا شده‌است؛ تا آنکه یکی از مأموران انتظامی که در مقام ضابط مرتکب اذیت و آزار منجر به نقص عضو شده بود، در سازمان قضایی نیروهای مسلح فارس محکوم و حکم در مرجع تجدیدنظر هم تأیید و هم تقاضاهای بعدی او توسط دیوان عالی کشور رد شد. در نهایت، نامبرده برای فرار از مجازات با تسلیم دادخواستی به دیوان عدالت اداری خواستار ابطال بخشنامه فوق در سازمان قضایی شد و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری هم پس از بررسی، ضمن دادنامه شماره ۱۶۹ تاریخ ۷۹/۵/۹ به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی نمود:

به صراحت قسمت اخیر اصل یک‌صد و هفتاد و دوم قانون اساسی و تبصره "۲" ماده (۱) قانون دادرسی نیروهای مسلح، رسیدگی به جرایم عمومی نیروهای نظامی و انتظامی، همچنین جرایمی که افراد مذکور در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، در صلاحیت ذاتی محاکم عمومی دادگستری قرار دارد. بنابراین، بند "۲" بخشنامه سازمان قضایی نیروهای مسلح که جرم در مقام ضابط را از مصادیق جرایم خاص نظامی و انتظامی تلقی کرده و رسیدگی به آن را در صلاحیت سازمان قضایی اعلام داشته‌است به لحاظ خروج آن از مدلول فرمان فرماندهی معظم کل قوا و مغایرت با قوانین فوق‌الذکر مستنداً به قسمت دوم ماده (۲۵) دیوان عدالت اداری، ابطال می‌شود.

پس از صدور رأی مذکور، اولاً: نظامی شاکی به هدف خود رسید و پرونده او پس از قطعیت حکم به دادگاه عمومی ارسال شد و ظاهراً در دادگاه عمومی مجازات یک سال حبس او به جزای نقدی ناچیزی تبدیل گردید؛ ثانیاً: از همان زمان در میان قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح در خصوص صلاحیت رسیدگی به جرم در مقام ضابط اختلاف نظر به وجود آمده که این امر موجب تحمیل هزینه زیاد به بیت‌المال و سرگردانی ارباب رجوع شده است. نکته مهم این است که مقام معظم رهبری با توجه مصلحت نظام قبلاً هم رسیدگی به برخی از پرونده‌ها را به سازمان قضایی محول نموده‌اند که مهم‌ترین آنها رسیدگی به جرایم پرسنل وزارت اطلاعات می‌باشد که هم حضرت امام (ره) در زمان حیات خود و هم مقام معظم رهبری به سازمان قضایی اجازه رسیدگی به جرایم آنان را داده‌است، که این امر نتایج بسیار مثبتی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی داشته است.

#### د - نتیجه:

۱ - دیوان عالی کشور به‌عنوان عالی‌ترین مرجع نظارتی قوه قضاییه، صدها پرونده جرم در مقام ضابط را که در سازمان قضایی به استناد اجازه مقام معظم رهبری منجر به صدور رأی شده را تأیید نموده و حکم اجرا شده است؛ و قضات دادگاه انتظامی قضات هم حداقل در یک مورد در خصوص قضات سازمان قضایی مازندران که به اتهام رسیدگی به جرم خارج از صلاحیت برای آنان کیفر خواست صادر شده بود به موجب رأی شماره ۷۸۱ تا ۷۸۳ تاریخ ۸۰/۶/۲۲ با توجه به اینکه قضات مستند به اجازه مقام معظم رهبری مبادرت به صدور رأی نموده بودند حکم برائت صادر نموده‌است، که همه این موارد دلیل بر قانونی بودن رسیدگی به جرم در مقام ضابط در سازمان قضایی می‌باشد.

۲ - در قانون اساسی، رسیدگی به جرایم عمومی و در مقام ضابط را به مرجع عمومی محول کرده‌است. جرایم عمومی گاهی در حین خدمت می‌باشد و گاهی در حین خدمت نیست؛ اما جرم در مقام ضابط از مصادیق عینی جرم در حین خدمت می‌باشد و امکان ندارد جرم در مقام ضابط باشد اما در حین خدمت نباشد. با توجه به اینکه در اجازه مقام معظم رهبری به صراحت به جرم در حین خدمت اشاره شده، چطور سازمان قضایی صلاحیت رسیدگی به جرایم عمومی که آن هم در قانون اساسی استثنا شده مانند ایراد ضرب و جرح و حمل و استعمال مواد مخدر را دارد اما صلاحیت رسیدگی به جرم در مقام ضابط که از مصادیق عینی جرم در حین خدمت می‌باشد را ندارد؟

۳- به نظر می‌رسد در رأی شماره ۱۶۹ هیئت دیوان عالی کشور دو ایراد مهم وجود دارد:

اول: سازمان قضایی هیچ‌گاه اعلام نکرده که جرم در مقام ضابط الزاماً جرم خاص نظامی و انتظامی می‌باشد، بلکه در بخشنامه سازمان به صراحت به‌عنوان جرم در حین خدمت ذکر شده است.

دوم: رسیدگی به جرم در حین خدمت که جرم در مقام ضابط از موارد عینی آن است، به استناد اجازه مقام معظم رهبر می‌باشد و خارج از مدلول آن نیست.

۴ - بهترین دلیل برای اینکه مصلحت نظام ایجاب می‌نماید به جرم در مقام ضابط در سازمان قضایی رسیدگی شود همین پرونده فردی است که به‌عنوان شاکی تقاضای ابطال بخشنامه را نموده‌است؛ زیرا نامبرده به‌علت اذیت و آزار منجر به نقص عضو فردی در اداره آگاهی، در سازمان قضایی به یک سال حبس محکوم شده‌است که تمامی تلاشهای او برای نقض حکم نتیجه نداشته و در نهایت به استناد رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، پرونده او به دادگاه عمومی ارسال شده که ظاهراً در آن مرجع حبس تبدیل به جزای نقدی شده‌است. آیا این‌گونه آرا می‌تواند از بروز جرایم مأمورین جلوگیری نماید یا اینکه موجب تجری آنان می‌گردد.

۵ - قضات سازمان قضایی به‌استناد اجازه مقام معظم رهبری، مبادرت به رسیدگی به جرم در مقام ضابط می‌نمایند، نه بخشنامه سازمان قضایی، که با ابطال آن صلاحیت آنان هم باطل گردد؛ بنابراین تا زمانی که اجازه مقام معظم رهبری ادامه داشته باشد صلاحیت سازمان قضایی هم در رسیدگی به جرم در مقام ضابط به قوت خود باقی است.

۶ - برای حل این مشکل شایسته است مسئولین محترم سازمان قضایی نیروهای مسلح یک بار دیگر با صراحت و بدون ابهام با ذکر قید جرم در مقام ضابط از مقام معظم رهبری استفتا نمایند و نظر معظم‌له را برای تمامی مراجع قضایی کشور اعم از دیوان عالی کشور، دادسرای انتظامی قضات، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی، دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ویژه روحانیت ارسال نمایند تا به این اختلاف نظر که موجب اتلاف وقت و صرف بیت‌المال شده پایان داده شود.